

سیری در نج البلاغه

(۸)

شرح نامه ۳۱ نج البلاغه

امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده:

عباس ابوالحسنی





نام جزوه : سیری در نهج البلاغه - شرح نامه ۳۱ نهج البلاغه (۸)

موضوع : امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده : عباس ابوالحسنی

ناشر : دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت

آدرس : تهران، خیابان جمهوری اسلامی، مسجد هدایت

تلفن : ۰۲۴-۳۳۹۰۷۰۲۴ - ۰۲۱ - ۳۳۳۹۲۶۲۳ - ۰۲۱

صندوق پستی : ۵۹۵ - ۱۱۵۵

آدرس وب سایت : www.hedayatgar.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكِرِ الْمُنْكَرِ

مولا علی علیه السلام در ادامه ی وصیت های دلسوزانه خود به فرزندش می فرماید:
پسرم در زندگی امر به معروف کن کم کم خودت هم اهل معروف و نیکوکاران
می شوی و همچنین نهی از منکر کن.

در این بیان نورانی حضرت اشاره می کند به ۲ وظیفه مهم اسلامی که نه تنها به
عهده امام و رهبر آسمانی، بلکه به عهده ی همه مسلمین است اگرچه این بحث
بسیار مهمی است و مبسوط و طولانی، لکن ما در اینجا اشاره ای گذرا بر این
مسئله می کنیم و عزیزان را ارجاع می دهیم به کتب مربوطه ای که در این موضوع
نوشته شده است.

اولاً چرا انسان اگر امر به معروف کند خودش هم از اهل معروف و نیکوکاران
می شود، شاید علت مسئله این باشد که چون انسان دیگران را امر به معروف
می کند اگر خودش اهل معروف نباشد در پیش وجدان خود شرمنده می گردد به
علاوه از مردم هم خجالت می کشد که بگویند او به معروف امر می کند در حالی
که به منکر عمل می کند. مجموع این امور سبب می شود که با امر به معروف انسان

تدریجاً در سلک عاملان به معروف درمی‌آید. واژه‌ی معروف یعنی شناخته شده و منکر یعنی ناشناس و مقصود از منکر یعنی گناه و معصیت پس بنابراین هر کار زشتی در نظر مسلمان باید ناشناس باشد و منکر به حساب بیاید و بیگانه و غریبه دیده شود یعنی جامعه اسلامی این چنین باید پاک و به دور از کارهای زشت و ناپسند باشد. به طوری که اگر یک زن بی‌حجاب ببیند با تعجب بگوید این دیگر چیست ما چنین چیزی نداشتیم روی این جهت است که این دو وظیفه اسلامی یعنی امر به معروف و نهی از منکر بیانگر این مطلب است که باید در محیط اسلامی و زندگی مسلمانان تمام کارهای خوب معروف یعنی شناخته شده و آشنا و خودی به حساب بیاید و تمام کارهای بد منکر یعنی غریبه و بیگانه دیده شود و از همه سو در مقام دور کردن آن عمل زشت برآیند.

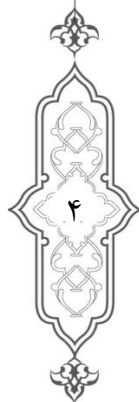
این بحث مهم را توجه کنید:

هر مسلمانی به حکم عقل و شرع دارای دو وظیفه است:

۱- عمل به معروف یعنی انجام دادن آنچه شرعاً دستور داده شده است و ترک منکر یعنی ترک آنچه شرعاً حرام اعلام شده است.

۲- دومین وظیفه او امر به معروف است یعنی دیگران را وادار کردن به انجام دادن واجبات و ترک حرام و اجتناب از گناه.

هر مسلمانی موظف است که هم خودش عامل به واجبات و ترک حرام باشد



و هم دیگران را به ادای واجبات امر و از ارتکاب گناهان نهی کند. حالا اگر فرضاً کسی خودش اهل عمل نیست آیا وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ندارد و از گردن او ساقط است؟

نه این ۲ از هم جداست، اهل عمل نبودن مجوّز نمی‌شود که ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم که اگر ترک کنیم ۲ گناه مرتکب شدیم یکی این که خودش عمل نکرده و دیگر این که دیگران را امر و نهی نکرده و سبب تعطیل شدن این دو اصل دین می‌شود.

البته ناگفته نماند که تأثیر امر و نهی انسان در دیگران مشروط به اهل عمل بودن انسان است اما واجب بودن این دو دستور مشروط به اهل عمل بودن خود انسان نیست ترک وظیفه شخصی (عمل کردن خود انسان) مجوّز ترک وظیفه اجتماعی نمی‌شود. البته خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آوردید چرا آنچه را که خود عمل نمی‌کنید می‌گوئید. منظور آیه این نیست که اگر خود عمل نمی‌کنید دیگران را هم امر و نهی نکنید بلکه آیه شریفه در مقام سرزنش است که چرا پای بند به گفته‌های خود نیستید، این کار زشتی است که انسان به آنچه می‌گوید عمل نکند.

عالم بی عمل سزاوار توبیخ است و این کار موجب خشم و غضب خداوند است، انسان باید در عالم ایمان به گفتن اکتفا نکند که موجب خشم بزرگ خدا بشود و آیه ربطی به داستان امر به معروف و نهی از منکر ندارد. برگردیم سر اصل بحث:

در اهمیت بحث مسأله امر به معروف و نهی از منکر این بیان از امام امیرالمؤمنین علیه السلام کافی است:

و مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَلَّا كُنْفَثَةً فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ^۱.

همه اعمال نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر بسان آب کمی است که از دهان هنگام دمیدن بیرون می آید در برابر دریای عمیق بیکران.

با تعطیل شدن امر به معروف و نهی از منکر اساس اسلام رو به انهدام می رود و جامعه‌ی مسلمین عزت خود را از دست می دهد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجِ الصَّالِحِينَ.

راه و رسم پیامبران و صالحان امر به معروف و نهی از منکر است.

فَرِيضَةٌ تُقَامُ بِهَا الْفَرَائِضُ.

این فریضه بزرگی است که سایر واجبات دیگر به سبب آن به پا داشته می‌شود و استوار می‌گردند.

وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ.

به وسیله امر به معروف و نهی از منکر راه‌ها امنیّت پیدا می‌کند و جلوی هرج و مرج و طغیانگری گرفته می‌شود.

وَتَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ

کسب و کارها حلال می‌شود و هر صاحب حقی به حقّ خود می‌رسد و زمین آباد می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود.^۱

توضیح بیشتر راجع به این دو وظیفه:

امر به معروف و نهی از منکر و قبیح دو فرع از فروع دین و ضروریات مذهب است و بدون رعایت این دو مسئله شیرازه‌ی شریعت و مدنیّت از هم گسسته می‌شود و قوام اجتماع متزلزل می‌شود.

قرآن می‌فرماید:

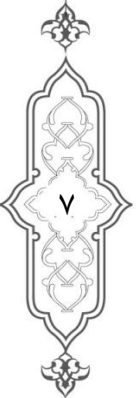
﴿وَأَتِمُّنَا مِنْكُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ﴾.^۲

باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند، امر به

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۶.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.



معروف کنند و مردم را از کار زشت بر حذر دارند.

در قرآن کریم و روایات اسلامی در اهمیّت این دو فریضه و نقش اصلاحی آن‌ها و زیان‌ها و مفسد ترک آن دو تکلیف بسیار سخن گفته شده است و به عنوان برترین فریضه به شمار آمده است که فرائض و احکام الهی دیگر در سایه‌ی امر به معروف و نهی از منکر قوام و استواری می‌یابد.

در صدر اسلام علم به این تکلیف مهم از سوی مسلمانان واگذاشته شد و مردم به خاطر ترس یا طمع از تذکّره‌های زبانی و اقدام‌های عملی در این راه کوتاهی کردند و در نتیجه دین به ضعف گرایید و فاسقان مسلّط شدند.

البته باید توجّه داشت فریضه امر به معروف و نهی از منکر تنها در تذکّراتی نسبت به بعضی از گناهان جزئی از سوی افراد عادی خلاصه نمی‌شود بلکه قیام بر ضدّ حکومت ستم و تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه و تشکیل حکومتی بر اساس حق و قرآن نیز از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است.

مرحله‌ی قبلی این فریضه آن است که انسان در درون دوستدار خوبی‌ها و معروف‌ها می‌باشد و از منکرات و مفسد و گناهان بیزار و متنفر باشد. این محبت و نفرت قلبی به زبان هم جاری می‌شود و در عمل هم تجلّی پیدا می‌کند.

امام حسین علیه السلام هنگام وداع با قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای بیرون آمدن از مدینه

فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَأَنْكِرُ الْمُنْكَرَ

خدایا من معروف را دوست دارم و از منکر و زشتی‌ها بدم می‌آید.

بیروان فرهنگ عاشورا با حضور دائم در میدان امر به معروف و نهی از منکر عرصه را بر فسادآفرینان تنگ می‌سازند چون می‌دانند که عقب‌نشینی و سکوت در این جبهه پیشروی و گستاخی دشمنان حق و فسادگستران در جامعه را به دنبال دارد.

تذکر لسانی حدّ اقل عمل به تکلیف در این گونه شرایط است و اگر این فریضه ترک و فراموش شود حدود الهی تعطیل شده و احکام خدا مورد تحقیر و استهزاء قرار خواهد گرفت.

یکی از درد دل‌های امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا این است که دنیا دگرگون شده و معروف رخت بر بسته و کسی به حق عمل نمی‌کند و کسی از باطل جلوگیری نمی‌کند.

در نتیجه: یکی از وظایفی که بر عهده‌ی تمامی مردم و حتی حاکمان می‌باشد سفارش به کارهای خیر و در برخی موارد آمرانه عمل کردن و بازداشتن از کارهای ناپسند است و مراحل قلبی و زبانی این وظیفه مورد تأیید همگان است و شیخ طوسی هم آن را جزء واجبات دانسته اگرچه در کنار آن قیودی و شرایطی را هم مطرح می‌سازد و می‌فرماید:

هرگاه فرد مسلمان مطلع گردید که انجام این فریضه برای او یا برخی از مؤمنین خطری نداشته و ضرری وارد نمی‌سازد بایستی به انجام آن اقدام نماید در غیر این صورت مجاز به انجام نمی‌باشد.^۱

نکته قابل تأمل این است که اکثر فقهاء و به ویژه شیخ طوسی در این جایگاه هنگامی که بحث امر به معروف و نهی از منکر عملی مطرح می‌گردد آن را از حیطه‌ی مکّین عادی و معمولی خارج دانسته و اجازه‌ی امام و یا سلطان را لازم می‌شمارند.

بنابراین آن بخش از امر به معروف و نهی از منکر که جنبه و جهت ارشادی دارد و با حالت رفاقت و صمیمیت اجرا می‌گردد عموم مردم بایستی در صورت تأمین شرایط نسبت به آن اقدام کنند اما آن بخش از این فرع دینی که بستگی به حکومت و قدرت سیاسی دارد و یا به عبارت دیگر برای امنیت بخشیدن به جامعه و ایجاد جوّ آرام و به دور از آشوب در برابر کسانی که قصد برهم زدن این آرامش از جامعه‌ی اسلامی را دارند بایستی اجازه‌ی قدرت سیاسی در کار باشد و این حکومت است که به افراد و یا گروه‌های خاصی مأموریت داده تا به اقدامات عملی سبقت بگیرند.

با توجه به اهمیت این مسئله باید به این نکته هم اشاره کرد که عواقب ترک



این دو وظیفه اسلامی بسیار خطرناک است مبدا مسلمین تماشاجی گناه و فساد و معصیت و آلودگی در جامعه باشند و سکوت کنند و تذکر ندهند امر و نهی نکنند به عنوان نمونه یک حدیث را نقل می‌کنیم.

قال رسول الله ﷺ: إِذَا كَثُرَ الزُّنَا بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفُجْعَةِ

هرگاه بعد از مرگ من در میان امت من زنا و فحشاء زیاد شود مرگ ناگهانی و سخته زیاد می‌شود.

وَ إِذَا كَثُرَ الرَّبُّا بَعْدِي كَثُرَ الزَّلَازِلُ.

هر گاه بعد از مرگ من در میان امت من رباخواری زیاد شود زلزله هم زیاد می‌شود.

وَ إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ هَلَكَتِ الْمَوَاشِي.

هر گاه بعد از مرگ من مسلمانان زکات اموال خود را پرداخت نکنند حیوانات چهارپای آن‌ها می‌میرند و برای تهیه گوشت و تغذیه به کشورهای خارج محتاج می‌شوند.

وَ إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَدْعُوا عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ

هرگاه بعد از مرگ من امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند در آن زمان خوبان امت و اولیای خدا هم دعا می‌کنند، خدا دعای خوبان را هم

مستجاب نمی‌کند.^۱

مبادا با سکوت ما گنهکاران و مفسدان تأیید بشوند که ما از این جهت در روز قیامت مسئول هستیم.

البته باید توجه داشت که این دو وظیفه اسلامی با همه‌ی اهمیتی که دارد اجرای آن و عمل کردن به آن شرایطی دارد.

این طور نیست که در همه جا و همه وقت و برای همه کس این دو وظیفه را باید پیاده کرد. بعضی از شرایط آن را توجه کنید:

۱- انسان امرکننده و نهی‌کننده باید آشنا به معروف و منکر باشد که اگر آشنا نباشد ممکن است امر به منکر کند و نهی از معروف، بعد خلاف مقصود پیش می‌آید.

۲- احتمال بدهد که تذکر او در طرف گنهکار اثر می‌کند و تأثیر می‌گذارد. اگر احتمال تأثیر ندهد و یا این که یقین دارد اثر نمی‌کند، تکلیف امر و نهی کردن ساقط است.

۳- در امر و نهی کردن ضرر جانی، مالی، عرضی و ناموسی وجود نداشته باشد. اگر احتمال بروز ضرر و خطر بدهد و خوب این دو تکلیف ساقط می‌شود.

۴- امر به معروف و نهی از منکر باعث سرافکنندگی و شرمندگی مخاطب

۱. کتاب زبدة الاحادیث.

نشود، یعنی در میان جمع تذکر ندهد که گاهی نتیجه معکوس خواهد بود و عکس‌العمل نامناسبی از گنهکار دیده می‌شود. مثلاً لجبازی می‌کند و یا توهین و بی‌احترامی می‌کند و امثال ذلک. انسان باید وقت‌شناس و شخص‌شناس باشد.

قال علی علیه السلام: نُصْحُكَ فِي الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ.

حضرت فرمود: نصیحت در میان جمع باعث کوبیدن شخصیت و خدشه‌دار کردن جان و روان شخص گنهکار می‌شود که نتیجه مطلوب نخواهد داشت.^۱

و در بعضی از مواقع اقدام بر امر به معروف و نهی از منکر چون در شرایط مناسب صورت نمی‌گیرد، نتیجه‌ای جز ندامت و اتلاف امکانات و نفوس در پی نخواهد داشت. باید مواظب شخصیت افراد بود و به بهانه امر و نهی آن‌ها را خرد نکنیم. خداوند به حضرت موسی و هارون می‌فرماید: قُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا.

وقتی می‌خواهید با فرعون حرف بزنید و به او تذکر بدهید، نرم با او سخن بگوئید نه با درستی نه با خشنونت نه با کتک‌زدن نه با فحاشی و امثال ذلک.

اگر دقت کرده باشید قرآن فرمود: از میان مردم باید عده‌ای خاص قیام به این وظیفه کنند، معلوم می‌شود که این دستور باید توسط گروهی خاص که مطلع بر مبانی و آگاه از شرایط حاکم و دانا در تشخیص مصالح و مفاسد هستند در جامعه تحقق یابد و هر فرد با هر انگیزه و سلیقه و تشخیص نباید در این موضوع

دخالت کند.

لذا در حکومت اسلامی باید نهادی با همین نام تأسیس شود که تبلیغات اسلامی را به احسن وجه متکفل شود و از افراد مجتهد جامع الشرایط و شاخص و ذی صلاح و با تقوا و آگاه بر شرایط جامعه و زمان در راه پیشبرد این هدف استمداد کنند. باید توجه داشت که شدیداً باید از غلو و افراط و تفریط جلوگیری شود و معتدل عمل کرد تا هدف اصلی که اصلاح جامعه و مردم هستند عملی شود.

در پایان این بحث لازم است که عرض کنیم آنقدر امر به معروف و نهی از منکر مهم است که تمام ائمه را عامل به این دو وظیفه معرفی می‌کنیم در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: **وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ.** شما امر به معروف کردید و نهی از منکر کردید.

وجود مقدس امام حسین علیه السلام هدف قیام خود را همین مسئله بیان می‌کند. در وصیت‌نامه‌ای که به برادرش محمد بن حنفیه نوشت، مرقوم فرمودند:

إِنَّمَا خَرَجْتُ يُطَلَّبُ الْإِصْلَاحُ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٌ أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ.

یعنی: این است و جز این نیست که من قیام کردم برای اصلاح امتِ جدّم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و بر این اساس قیام کردم که خواستم امر به معروف و نهی از منکر

کنم.

حضرت امیر علیه السلام در ادامه نامه می فرماید:

بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَيْنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ.

این جمله حضرت امیر علیه السلام اشاره به مراتب امر به معروف و نهی از منکر است:

۱- مرحله‌ی اول با قلب، یعنی انکار قلبی و بیزارگی از منکر در درون دل و

جان هر چند ظالمان دست و زبان انسان را ببندند.

۲- مرحله‌ی دوم با زبان که همان تذکر دادن با وجود شرایط است که بحث

کردیم.

۳- جلوگیری عملی از منکرات.

بسیاری از فقهاء این مرحله‌ی سوم را وظیفه حکومت اسلامی و حاکم شرع

می دانند و مرحله‌ی اول و دوم را وظیفه عموم مردم می دانند.

جمله وَ بَيْنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ که در ادامه نامه آمده است ممکن است اشاره

به جایی باشد که نهی از منکر اثر ندارد. در چنین مواردی انسان باید مجلس را

ترک کند و از عاملان به منکر دوری کند.

و این احتمال هم هست که مقصود این جمله آن است که انسان باید قلباً بیزار

باشد که آثار آن در چهره‌ی انسان نمایان باشد که یکی از مراحل سه‌گانه نهی از

منکر است.

در حدیثی امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بُوْجُوْهِ مُكْفَهَرَةً.

یعنی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ما دستور داد که اهل منکر را با چهره‌ای عبوس

ملاقات کنیم تا از قیافه‌ی ما بدانند که از آن‌ها بیزار هستیم.^۱

روی این حساب است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ

جایز نیست برای مؤمن که در مجلسی بنشیند که در آن مجلس معصیت

خداوند می‌شود و آن مؤمن قدرت ندارد که آن جلسه را تغییر دهد، چون نشستن

او در آن مجلس و سکوت او تأیید گناه گنهکاران آن مجلس می‌شود.

و یا در حدیث داریم که: سَامِعُ الْغَيْبَةِ أَحَدُ الْمُعْتَابِينَ.

اگر کسی به غیبت غیبت‌کننده‌ای گوش بدهد مثل کسی است که مشغول غیبت

کردن است، فرقی نمی‌کند.

و یا حضرت امیر فرمود: مَنْ رَضِيَ بِعَمَلٍ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ.

هر کس به عمل جمعیتی یا شخصی رضایت بدهد، این شخص مثل همان

کسی است که آن عمل را انجام داده است.

در روایت داریم که خدا لعنت کند کسی را که به صورت شخص بی‌نماز و

^۱ - اصول کافی ج ۵ ص ۵۸.



تارک الصلوة بخندد و یا حدیث داریم که اگر کسی به شخص بی نماز و تارک الصلوة لقمه نانی و یا شربت آبی بدهد، مثل این است که ۱۲۴۰۰۰ پیامبر را کشته است، اولین آنها آدم ابوالبشر و آخرین آنها رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. به دلیل این که این شخص با خنده و یا دادن طعام و شراب بی نمازی شخص بی نماز را تأیید می کند.

و اگر خانمی در مجلسی برقصد و دیگر بانوان آن زن رقاصه را با زدن کف تأیید و تشویق کنند، در گناه رقص آن زن همه شریک و سهیم هستند.

در پایان خلاصه‌ای از این قسمت نامه را برای شما می نویسیم:

پسرم همیشه امر به معروف و نهی از منکر کن تا تو هم از زمهری صالحین بشوی و از انجام عمل زشت و خلاف رضای خداوند مردم را بر حذر بدار و با آنان به صورت تنبیه و تذکر برخورد نما و از مردم گنهکار فاصله بگیر تا جایی که می توانی و قدرت داری. مبادا با آنها هم مجلس بشوی و یا رفاقت کنی و یا سیاهی لشکر آنها بشوی که رفاقت با آنها، عجیب در روح و روان آدمی مؤثر است.

در پایان بحث امر به معروف و نهی از منکر ذکر این حدیث هم جالب است و خالی از فائده و لطف نیست.

روزی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای حضرت سلمان فارسی احوال و اوضاع مردم

آخرالزمان را بیان می‌کرد، فرمود:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

زمانی بر این امت من بیاید که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند.

سلمان با تعجب پرسید: آیا چنین می‌شود!؟

حضرت رسول ﷺ فرمود: ای والله بله به خدا قسم این طور می‌شود بلکه

بالا تر برای تو بگویم.

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَهُ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ.

زمانی بر امت من بیاید که مردم امر به منکر و گناه می‌کنند و نهی از معروف و

کارهای پسندیده.

سلمان تعجب کرد پرسید: آیا این طور می‌شود!؟

حضرت رسول ﷺ فرمود: ای والله یا سلمان، آری به خدا قسم این طور

می‌شود. فرمود: از این مهم تر برای تو بگویم:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَهُ يَكُونُ الْمَعْرُوفُ عِنْدَهُمْ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرُ

عِنْدَهُمْ مَعْرُوفٌ.

زمانی بر امت من بیاید که کار معروف در نزد آنها منکر و زشت است و کار

زشت و گناه در نظر آنها معروف است.

انصافاً زندگی کردن در این شرایط و بین مردم چقدر سخت است. با حدیثی



این بحث را پایان می‌بریم. رسول اکرم ﷺ فرمود: زمانی بیاید که اگر چشم مردم به لاشه‌ی مرده‌ی الاغ بیفتد، برای مردم عزیزتر و محبوب‌تر است تا این که مؤمنی آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کند. پناه بر خدا

پایان

